

تطابق علم و دین

مطابقت دین با علم و عقل یکی از ۱۲ تعلیم اجتماعی دیانت بهائی است.

بهائیان اعتقاد دارند که دین و علم و عقل هماهنگ بوده و با یکدیگر تطابق

دارند. از نظر بهائیان علم موهبت الهی است. از آنجا که علم کاشف حقایق

اشیاء است بهائیان علم را بزرگ‌ترین منقبت جهان می‌دانند.

عبدالبهاء می‌گوید: «...دین با علم توأم است زیرا دین و علم هر دو حقیقت است

اگر دین مخالف حقیقت باشد وهم است و هر مسئلهٔ دینی که مخالف علم

صحیح و عقل کامل باشد شایان اعتماد نه. پس تقلید و رسوماتی که منافی

علم و ترقی است باید زائل نمود...»

عبدالبهاء دین را مروج علم می‌داند و اظهار می‌دارد که هرگاه یک دین الهی

ظهور کرده، علوم و فنون نیز توسط پیروان آن دین و حتی مردمان دیگر،

پیشرفت زیادی حاصل نموده‌است.

عبدالبهاء، همچنین جهل و تقلید را موجب گمراهی و عامل اختلافات میان اقوام

مختلف می‌داند و علم را سبب عزت و رفیع بسیاری از مشکلات بشر معرفی

می‌نماید. به علاوه مقام علما و فلاسفهٔ روشنفکر را عظیم می‌شمارد.

انواع علم

عبدالبهاء می گوید:

علم بر دو قسم است: علوم مادیه و علوم الهیه. علوم مادیه کشف اسرار طبیعت کند، علوم الهیه کشف اسرار حقیقت نماید. عالم انسانی باید تحصیل هر دو علم کند؛ اکتفای به یک علم ننماید، زیرا هیچ پرنده‌ای بجنای واحد پرواز نکند. باید به دو بال پرواز نماید. ... مقصود از علم لاهوتی (الهی) کشف اسرار الهی است، ادراک حقایق معنوی است.

تطابق علم و دین

دین بهائی تأکید می‌نماید که علم و دین تفکیک ناپذیرند؛ اگر حقیقت یکی باشد، محال است که علم مطلبی را صحیح تلقی نماید ولی دین آن را حقیقت به حساب آورد. عبدالبهاء علم و عقل را میزان سنجش تلقی می‌کند و بیان می‌دارد که انسان باید دین را با عقل بسنجد و بفهمد.

ضعف عقل

طبق اعتقادات بهائی عقل انسان با تمام توانائی‌های انکارناپذیرش، نمی‌تواند کاملاً درست تصمیم بگیرد و اگر نتواند مطلبی را که دین می‌گوید ادراک نماید،

قصور از دین نیست بلکه از عقل است. و تنها عقل کامل، عقل کلّی الهی است که ماوراء طبیعت است و محیط بر جمیع اشیاء است. این عقل فقط مخصوص مظاهر مقدسه است.

علم و دین

شاید اعتقاد آنها باعث شگفتی کسانی شوند که گمان می کنند علم و دین دو راه سازش ناپذیرند. زندگی معنوی فضانوردان و هزاران دانشمند دیگر، سرّی را فاش می کند که در آن دین، کشفیات علمی را تقویت و حمایت می کند.

برنامه فضایی در تاریخ خود، فضانوردانی را دیده است که با بی باکی و بی پروایی اعتقادشان را با خود به فضا برده اند و حتی زمانی که آمریکایی ها با مسائلی دست و پنجه نرم می کردند که علم و دین را از هم جدا می کرد - همانند مسائلی در باب آفرینش و تکامل - سازمان های بسیاری به وجود آمدند که می خواستند پیشه و مهارت شان در علم را با اعتقادشان به خداوند درآمیزند.

فرانسیس کالینز، سرپرست مؤسسه ملی تحقیقات ژن انسانی در مصاحبه اش با Beliefnet، وبسایت مختص موضوعات معنوی می گوید: «من دریافته ام که باورهای مذهبی ام، درک و لذت ام را از علم پربارتر کرده است. وقتی چیزی

را در ارتباط با ژن‌های انسانی کشف می‌کنم، یک حس شگفتی توأم با ترس دربارهٔ رموز زندگی به من دست می‌دهد. به خودم می‌گویم، فقط خداوند این چیزها را از قبل می‌دانسته. این احساسی شدیداً تکان‌دهنده و زیباست که به من کمک می‌کند خدا را ستایش کنم. افزون بر این علم را برای من ارضاکنده و ارزشمندتر می‌کند.»

در سال ۱۹۵۸ نخستین هفت فضانورد ناسا در یک کنفرانس خبری شرکت کردند. در آنجا جان گلن گفته بود: «من در این پروژه شرکت کردم، چون احتمالاً این پروژه نزدیک‌ترین چیز به بهشت است و من می‌خواستم از آن نهایت استفاده را بکنم.»

در سال ۱۹۶۲، گلن نخستین آمریکایی‌ای بود که دور مدار زمین گشت. در سال ۱۹۹۸، در سن هفتاد و هفت سالگی باز به فضا برگشت و گفت: «این برای من غیرممکن است که به چنین مخلوقی بنگرم در حالی که به خدا ایمان نداشته باشم.»

خدمهٔ «آپولوی ۸» اولین شبی را که گرد ماه چرخیدند، جشن گرفتند و در جشن‌شان «سفر تکوین Genesis» - اولین کتاب مقدسی که خلقت را تشریح می‌کند - خواندند. اولین وعدهٔ غذایی بر روی ماه هم عشای ربانی بود که، باز

آلدین (Buzz Aldrin) با خود برده بود. مذهب (دین) در آخرین مأموریت کلمبیا هم در سفینه حاضر بود.

مخلوقی زیبا

هازبند، مهندسی که اولین پرواز فضایی خود را در سال ۱۹۹۹ انجام داد در مصاحبه با شبکه فرسنو بی (Fresno Bee) گفته بود: «من یک مسیحی معتقد و سرسخت هستم. از این پنجره به بیرون نگاه می‌کنم، به این مخلوق زیبایی که خداوند آفریده است.»

تنها عده اندکی از دانشمندان، فضانورد می‌شوند، اما بسیاری از آنان کارشان را با همان واژه‌های حیرت‌آوری توصیف می‌کنند که فضانوردان به کار می‌برند.

کیتی فرگوسن نویسنده کتاب‌های علمی و نویسنده کتابی درباره یوهانس کپلر [پروتستان لوتری آلمانی قرن ۱۷ که قوانین حرکت سیاره‌ای را کشف کرد. این قوانین به نام او نامگذاری شده‌اند] می‌گوید: «مطالعه واقعی علم و طبیعت، محقق را به سوی حسی از سرگشتگی و کوچکی انسان در برابر ذهنی بسیار بزرگتر سوق می‌دهد. بسیاری از این محققان خواهند گفت که کمتر می‌توان

مثالی چنین باشکوه از نبوغ خداوند در خلقت بیاوریم. مثالی شکوهمندتر از تکامل.»

برخی دانشمندان تئوری «نیت هوشمند» و یا سایر توضیحات علمی‌ای را که

قائل به یک خالق هستند می‌پذیرند. سایرین ایمان و علم را با اصرار بر این

نکته تطبیق می‌دهند که به گفته کالینز «خداوندگاری خالق، این روند را

طرح‌ریزی می‌کند»، روند تکامل در حرکت را.

کالینز در گفت‌وگویی با Beliefnet گفته بود: «این یک گمان پذیرفته شده است

که مردمان معتقد، حتماً خل شده‌اند یا به کله‌شان زده است.» هنگامی که

دانشمندان به زنان و مردان اهل ایمان مشکوک هستند، اهل ایمان هم گاهی به

اهل علم دشمنی می‌ورزند.

دان مونرو، مدیر اجرایی [سازمان] ارتباط علمی آمریکا که ۲۴۰۰ عضو دارد

نیمه دهه ۱۹۶۰ را به یاد می‌آورد، زمانی که دانشجوی کارشناسی رشته

فیزیولوژی سلولی بود و کشیش‌اش به او گفته بود که او نمی‌تواند بفهمد

چگونه یک مسیحی می‌تواند یک زیست‌شناس بشود. مونرو می‌گوید: «این

حرف کشیش نفسم را بند آورد. همسرم درست پشت من ایستاده بود و او هم

به نفس‌تنگی افتاد. به منزل رفتم و درباره‌اش فکر کردم و هنوز هم که بیش از

۳۰ سال می‌گذرد، به آن فکر می‌کنم.»

مرکز علوم طبیعی و ادیان در برکلی کالیفرنیا هم با پرسش‌های هستی‌شناختی

دست و پنجه نرم می‌کند و از سال ۱۹۹۵ تشکیلی را در واشنگتن با نام

«گفت‌وگو درباره علم، اخلاق و دین» ترتیب داده است. این گروه بزرگ‌ترین

انجمن علمی عمومی جهان است و مجله علم (Science) را منتشر می‌کند.

زمینه‌های مشترک

برخی عقیده دارند فاصله میان علم و دین در حال کم شدن است. ویلیام

فیلیپس برنده جایزه نوبل فیزیک در سال ۱۹۹۷ است. او موفق به سرد کردن

و به تله انداختن اتم‌ها به کمک لیزر شده است. او می‌گوید، این بینش که علم و

دین در درگیری متقابل با یکدیگر هستند در حال کم‌رنگ شدن است. در عوض

این دیدگاه که علم و دین، هر دو «چیزهای مهمی درباره زندگی و جهان

کاینات دارند که به ما می‌گویند و گاهی تو نیاز داری که با هر دوی آنها

مشورت کنی تا بهترین پاسخ را بیابی» در حال افزایش است. فیلیپس استاد

دانشگاه مریلند است و گاهی روزهای یکشنبه در مدرسه کلیسای محل اقامتش

تدریس می‌کند.

ای‌لین او. دانو استاد فیزیک دانشگاه سنت لورنس کانتون در نیویورک، اخیراً

فرصت مطالعاتی خود را در رصدخانه واتیکان ایتالیا به پایان رسانده است.

او می‌گوید: «اکنون مردم به ایمان دانشمندان علاقه افزونی نشان می‌دهند و

دانشمندان ایمان خود را می‌جویند و از آن سخن می‌گویند. ما در حال حرکت

به دوره‌ای هستیم که علم و دین قطبیت کمتری دارند.»

رابطه علم و دین

علم و دین و رابطه برقرار میان آنها از دیرباز موضوع اندیشه ورزی و گفتگو میان فیلسوفان و متکلمان و عالمان الهیات بوده است.

علم و دین و رابطه برقرار میان آنها از دیرباز موضوع اندیشه ورزی و گفتگو میان فیلسوفان و متکلمان و عالمان الهیات بوده است. دامنه این مباحث

بسی گسترده است و منظرهای گفتگو گاه بسی متباعد و ناسازگار، درک و دریافت ارباب این مباحث از علم و دین و ماهیت و محتوای هریک چندان از

یکدیگر فاصله دارد که گاه موضع نزاع را مغشوش و راه تفاهم را مسدود

میکند. بنابراین، باید بحث از ماهیت هریک از «علم» و «دین» و تحلیل مبانی،

ساختار، غایات، آمال و فعلیتهای هریک از این دو را مدخل ضروری ورود به

مباحث علم و دین شمرد. نگاهی به دامنه وسیع موضوعات مربوط به این

بحث ضروری بودن پرداختن به این مدخل را آشکارتر میسازد. بحث درباره

تعارض علم و دین شاید یکی از آشناترین و در عین حال حساس ترین

مباحثی باشد که مطرح بوده و هست. تعارض علم و دین خود عنوان فراخ

دامنی است که از تعارض گزاره‌های دینی و علمی تا تعارض دین با فرهنگ و

تمدن برآمده از علم و نگرش علمی را دربرمیگیرد. طرح تعارضات گوناگون

میان علم و دین به همان میزان از شناخت طراحان نسبتبه ماهیت علم و دین

رنگ میگیرد که مساعی کوشندگان برای رفع و دفع تعارض. در کنار گفتگو از تعارض علم و دین از تعاطی و تعاون علم و دین نیز بسیار سخن رفته است. سخن از تعارض و یا سازگاری و تعاطی و تعاون علم و دین گاه ریشه در نگرشهایی خام نسبت به علم و دین و چیستی آن دو داشته است و گاه ناشی از ژرف نگریهایی نسبتبه دین و قلمرو آن و علم و کاستیها و ناتوانیهای آن بوده است و به هر روی، شناختخاصی از علم و دین راهبر مدعیان تعاطی و تعاون است و از هر منظری چنین ادعایی قابل طرح نیست. علم دینی با همه صورتهای قابل تصور و ادعای آن یکی از شیوههایی است که از رهگذر آن تعاطی و تعاون علم و دین به تصویر کشیده میشود. التزام به صورتهای مختلف این مدعا مستلزم مقدمات و پیشفرضهای مختص و مشترکی است. دستهای از این پیشفرضها به دین مربوط است. مباحثی همچون قلمرو دین و زبان دین از جمله مهمترین این پیشفرضهاست. اگر قلمرو دین امور مادی و دنیوی را شامل نباشد ساختسخنان دینی از ساحت گزارههای علمی جدا خواهد بود و آنگاه وام گرفتن از دین به اتکای راست گفتاری خداوند و اولیاء معصوم دین مقدر نخواهد بود. همچنین اگر کسی زبان دین را بههیچوجه زبان واقعگویی و اخبار نداند و یا گزارههای دینی را انشائیات محض بشناسد، آنگاه به دشواری میتواند از گزارههای دینی موادی برای معرفت علمی از

واقعیت‌خارجی فراهم آورد. با چنین موضعی در خصوص زبان دین حداکثر میتوان در قلمرو برخی علوم کاربردی مجالی برای حضور دین فراهم آورد که آن هم البته از منظر روش‌شناسی این علوم خالی از ابهام و اشکال نخواهد بود. از دیگر پیش‌فرض‌های مهم در طراحی صور مختلف علم دینی «معرفت دینی» است. باید نخست چگونگی تحصیل معرفت نسبتبه آموزه‌های یک دین معلوم شود و رتبه یقینی بودن معرفت ما به دین و آموزه‌های آن آشکار شود و چون مبداء و ثوق به آن آموزه‌ها را چیزی برتر و فراتر از روش‌های متعارف بشری دانستیم، آنگاه قادر خواهیم بود وحی را واسطه‌های استوار برای تحصیل معرفت نسبتبه انسان و طبیعت‌شماریم. کسانی که معرفت دینی را همچون دیگر معارف محروم از یقین و رنجور از ظن و گمان می‌شناسند، نه تنها معرفت دینی و دیگر شیوه‌های معرفتی را هم ارز می‌یابند و در عرض هم مینشانند، بلکه دیگر معارف را مقدم و تعین بخش به معرفت دینی میدانسته. نمیتوانند علم دینی را بنیان نهند؛ چرا که از این منظر روشنگری چراغ وحی چندان نخواهد بود که بتوان آن را بر میکروسکوپ و تلسکوپ و سنجش‌های آماری ترجیح داد. علم‌شناسی نظریه‌پردازان نیز در طراحی و قضاوت درباره علم دینی بسیار موثر است. اگر هنوز کسی روش علمی را پدید آورنده معرفتی‌قینی به طبیعت‌بداند و دیگر روشها را عقیم از معرفتی‌زایی

ارزیابی کند نمیتواند از علم دینی سخن بگوید، ولی اگر آنگونه که امروزه از مسلمات علم بشمار میآید، قطعیت معرفت علم از این حد فروتر باشد و دخالت پیشفرضهای ما بعد الطبیعی و دیگر عناصر غیرعلمی در تکوین علم به رسمیت شناخته شود و امکان علمهای رقیب پذیرفته شود آنگاه راه بر تصویر کردن علم دینی باز میشود، هرچند که راه تا تحقق آن بسیار باشد. یکی از مباحث مهمی که در ارزیابی صور مختلف علم دینی موثر است روششناسی علم دینی است. گفتنی است که همه صورتهای علم دینی روش واحدی را برای داوری پیشنهاد نمیکنند. برخی از آنها روش داوری دوگانهای را لازم میدانند و معتقدند پارهای از اجزاء علم دینی بر دینی بودن متکی هستند و وثاقت خود را از اتکاء بر دین وام میگیرند و پارهای دیگر از اجزاء علم دینی از روش تجربی تایید و امضاء میگیرند. روششناسی چنین تصویری از علم دینی تلفیقی است و به طور همزمان از تجربه و روششناسی علوم دینی بهره میگیرد. برخی دیگر از صور علم دینی وحدت روش را پیشنهاد میکنند. این روش واحد در برخی پیشنهادها روش علوم دینی است. مثلاً آن صورت از علم دینی که پیشنهاد میکند روش فقهی متبع در کتابهای فقه سنتی الگوی پیریزی علم دینی باشد بر روش دینی تکیه میکنند و داور نهایی را دین و روش دینی می‌شمارند، هرچند نظورزیهای عقلی و تجربی را قراین و وسایلی

برای تفسیر متون دینی بشناسند، در نهایت تایید گزاره‌های علم دینی را برعهده روش تفسیر متون دینی می‌گذارند. روش واحد پیشنهادی در صورت‌های دیگری از علم دینی روش تجربی است. از این صورت علم دینی انتظار می‌رود که علمی تجربی فراهم آورد، علمی که از روش‌های علوم تجربی استفاده می‌کند و مدعی استنباط تکیه بر دین، علم تجربی رقیبی را تولید خواهد کرد که سمت و سو و احیانا ساختاری متفاوت از علوم تجربی موجود خواهد داشت و چهره عالم را به گونه‌های متناسب با اهداف دین ترسیم خواهد نمود. این صورت نیز خود چهره‌های گوناگونی می‌تواند داشت. عده‌ای به جا به جا کردن پیشفرض‌های متافیزیکی دلبسته‌اند و عده‌ای رجوع به آموزه‌های دینی را روشی برای نظام‌مند کردن مقام میدانند و در مقام داوری (Context of Justification) به روش تجربی تکیه می‌کنند و از این راه کارآمدی محصول علمی خود را می‌جویند. هریک از صور علم دینی با ابهامها و پرسش‌هایی روبرویند برخی از این پرسشها با تحلیل درست مدعا پاسخی قطعی خواهد یافت و برخی دیگر نیازمند زمان و در انتظار رهاورد عملی مدعای علم دینی است. مقالاتی که در این شماره از فصلنامه «حوزه و دانشگاه» تقدیم خوانندگان گرامی میشود عمدتا (مستقیم یا غیر مستقیم) مربوط است به پیشفرض‌های علم دینی و چند و چون علم شناسانه و دین‌شناسانه مدعای علم

دینی. بیشک «علم دینی» نیازمند بحثهای نظری بیشتری است، افزون بر آنکه مدعیان نباید از آزمودن مدعای خود در میدان عمل غفلت کنند. امید می‌رود انتشار این مجموعه به گرم کردن مباحث مربوط به این موضوع یاری دهد و در شمارههای آینده شاهد بالندگی بیشتر نظریپردازی در این قلمرو باشیم.

علم و منشأ دین

دین از عجز انسان‌های اولیه در یافتن توجیه علمی برای پدیده‌های طبیعی همچون طوفان، صائقه، زلزله، مرگ و غیره... سرچشمه گرفت بدین ترتیب که سعی در نسبت دادن دلیل این پدیده‌ها به موجود یا موجوداتی به نام خدا نمود و سپس به عنوان ابزاری در دست طبقات حاکم بر جوامع مختلف برای سرکوبی و وادار نمودن توده‌ها به تمکین در مقابل آنان بقا یافت. دین‌های مختلف در سراسر جهان همواره انسان‌ها را به قناعت‌پیشگی و توجیه مصائب بشری و ازلی خواندن آنان فراخوانده‌اند. به قول ناپلئون "دین بهترین وسیله برای ساکت نگه داشتن مردم است.

منابع :

<http://www.iritn.com>

سایت اطلاع رسانی آفتاب

www.aftab.ir

سایت اطلاع رسانی ویکی پدیا

www.fa.wikipedia.org